

بشارت امام صادق علیه السلام به شیعیان

دیدار با پیامبر و امیرالمؤمنین علیهم السلام در هنگام مرگ

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ

عده‌ای از اصحاب ما از سهل بن زیاد از ابن فضال از علی بن عقبه و او از پدرش نقل کرده است که گفت:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

اباعبدالله (امام صادق) علیه السلام به من فرمود:

فَقَالَ يَا عُقْبَةُ

پس حضرت امام صادق علیه السلام فرمود ای عقبه:

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ أَنْ يَرَى مَا تَقْرَأُ بِهِ عَيْنُهُ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ إِلَى هَذِهِ ثُمَّ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى الْوَرِيدِ

خداوند روز قیامت جز همین مذهبی که شما دارید قبول نخواهند کرد. بین شما و بین صحنه‌هایی که دیدن آن سبب روشنایی چشم‌تان خواهد شد فاصله‌ای نیست جز این که جان‌تان به این جا برسد و با دست اشاره به حلق خود کرد.

ثُمَّ اتَّكَأَ

(این جمله را فرمود) و سپس سکوت کرد.

وَ كَانَ مَعِيَ الْمُعَلَّى فَعَمَزَنِي أَنْ أَسْأَلَهُ

و معلی (بن خنیس) که با من بود دست مرا فشار داد که از آقا بپرس چه می بیند؟!

فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَذِهِ فَأَيُّ شَيْءٍ يَرَى مِنْ گفتم: ای پسر رسول خدا بفرماید وقتی جان

به گلو برسد چه می بیند؟

فَقُلْتُ لَهُ بِضْعَ عَشْرَةَ مَرَّةً أَيُّ شَيْءٍ

پس تا ده بار سؤال کردم چه می بیند؟

فَقَالَ فِي كُلِّهَا يَرَى وَ لَا يَرِيدُ عَلَيْهَا

پس امام در همه آن‌ها فرمود می بیند و چیزی

اضافه نفرمود.

ثُمَّ جَلَسَ فِي آخِرِهَا فَقَالَ يَا عُقْبَةُ

سپس در آخر جلسه امام فرمود ای عقبه

فَقُلْتُ - لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ

گفتم گوش به فرمان شما هستم و خداوند پی در پی به شما سعادت دهد.

فَقَالَ أَبَيْتَ إِلَّا أَنْ تَعْلَمَ

فرمود می خواهی به تو بگویم چه می بیند؟

فَقُلْتُ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا دِينِي مَعَ دِينِكَ فَإِذَا ذَهَبَ دِينِي كَانَ ذَلِكَ كَيْفَ لِي بِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كُلَّ سَاعَةٍ وَ بَكَيْتُ

گفتم: آری ای پسر رسول خدا، من شیعه و در دین شما هستم. اگر بر اثر جهالت، دینم را از دست بدهم چه کنم؟ هر لحظه که دستم به دامن شما نمی‌رسد. و با این حال گریه کردم.

فَرَّقَ لِي

دل امام به حال من سوخت.

فَقَالَ يَرَاهُمَا وَ اللَّهُ

پس فرمود: به خدا (در هنگام مرگ) آن دو نفر را

می بیند.

فَقُلْتُ يَا بِي وَ أُمِّي مَنْ هُمَا

پس گفتم پدر و مادرم به فدایت آن دو نفر کیستند؟

قَالَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ ع

فرمود آن دو نفر رسول خدا صلی الله و علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستند.

يَا عُقْبَةُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ مُؤْمِنَةٌ أَبَدًا حَتَّى تَرَاهُمَا

ای عقبه به خدا هیچ مؤمنی از دنیا نمی‌رود آلا این که رسول خدا و علی مرتضی علیهم السلام را می بیند.

قُلْتُ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمَا الْمُؤْمِنُ أَيْرَجِعُ إِلَى الدُّنْيَا

گفتم وقتی مؤمن آن دو را دید دلش می‌خواهد به دنیا باز گردد؟

فَقَالَ لَا يَمْضِي أَمَامَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمَا مَضَى أَمَامَهُ

فرمود: مؤمن تا آن دو نفر را ندیده نمی‌خواهد از دنیا دل بردارد ولی وقتی که آنان را دید، دل از دنیا می‌کند.

فَقُلْتُ لَهُ يَقُولَانِ شَيْئاً

عرض کردم: آیا آن دو نفر با او سخن می‌گویند؟

قَالَ نَعَمْ يَدْخُلَانِ جَمِيعاً عَلَى الْمُؤْمِنِ

فرمود: آری هر دوی آن‌ها کنار مؤمن (محتضر) حاضر می‌شوند.

فَيَجْلِسُ رَسُولُ اللَّهِ ص عِنْدَ رَأْسِهِ وَ عَلِيٌّ ع عِنْدَ رِجْلَيْهِ

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بالای سر او و امیرالمؤمنان علیه‌السلام کنار پای او می‌نشینند.

فَيَكِبُّ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص

آن‌گاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله (با مهربانی) به او می‌نگرد.

فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبَشِّرُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِنِّي خَيْرٌ لَكَ مِمَّا تَرَكْتَ مِنَ الدُّنْيَا

سپس می‌فرماید: ای دوست خدا! بشارت که من رسول خدا هستم. من برای تو بهترم از آن چه که در دنیا گذاشته و آمده‌ای!

ثُمَّ يَنْهَضُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَيَقُومُ عَلَيَّ ع حَتَّى يُكَبِّ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبَشِّرُ أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتَ تُحِبُّهُ أَمَا لَأَنْفَعَنَّكَ.

سپس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر می‌خیزد و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بالای سر محتضر می‌نشیند و می‌فرماید: ای دوست خدا! بشارت که من علی بن ابی‌طالب هستم. من همان هستم که در دنیا دوستم داشتی. اینک وقت آن رسیده که من نافع به حالت باشم.

ثُمَّ قَالَ إِنَّ هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

بعد امام صادق علیه‌السلام فرمود: این جریان در کتاب خدا (قرآن) آمده است.

قُلْتُ أَيْنَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ

گفتم: جانم به قربانت در کجای کتاب خدا آمده است؟!

قَالَ فِي يُونُسَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هَاهُنَا

فرمود: در (سوره‌ی) یونس آن‌جا که خدای عزّ و جلّ می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

کسانی که ایمان آورده و تقوا داشته‌اند مژده در زندگی دنیا و آخرت از آن آن‌هاست. تبدیلی در کلمات خدا نیست. این، آن پیروزی بزرگ است.

(آیات ۶۳ و ۶۴)

نشانی روایت:

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول جلد ۱۳ ص ۲۸۶

همچنین در کتب زیر نیر آمده (البته در برخی نقل‌ها

تفاوت اندکی دارد ولی انتهای حدیث یکسان است)

المحاسن ج ۱ ص ۱۷۵

تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۱۲۵

الکافی (ط - الإسلامية) ج ۳ ص ۱۲۸

تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة ص ۲۲۴

الوافی ج ۲۴ ص ۲۴۷

البرهان فی تفسیر القرآن ج ۳ ص ۳۷

مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر ج ۳ ص ۱۰۶

بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۶ ص ۱۴۸ و ۱۸۵

تفسیر نور الثقلین ج ۲ ص ۳۱۰